

استعفای رییس اصلاحات؟!

جعفر گلابی

چند روز پیش آقای محمدرضا خاتمی در يك اتاق گفتوگو اعلام کرد که برادرش سیدمحمد خاتمی به مقامات کشور و دوستانش گفته است که «دیگر وارد عرصه عملیاتی سیاسی نمیشوند». انتظار این بود که پیرامون این خبر مهم از سوی خود آقای خاتمی یا دفتر ایشان یا نزدیکان‌شان توضیح بیشتری داده شود ولی تاکنون چنین انتظاری برآورده نشده است و با اینکه خبر مزبور بازتاب زیادی نداشت، برداشتها و سوالات متفاوتی پیرامون خبر یاد شده وجود دارد. عدم ورود به عرصه عملیات سیاسی به چه معناست؟ آیا آقای خاتمی میخواهند از صحنه سیاسی کشور کنار روند و چنین بیانی مقدمه خروج کلی ایشان از میادین سیاسی است؟ اگر چنین برداشتی درست باشد آیا بهتر نبود که شخص آقای خاتمی طی بیانیه یا سخنانی خطاب به مردم در این مورد توضیح دهد و علل آن را برشمرد و پیش خود و خدای خود آسوده باشد و حجت خویش را تمام کرده باشد؟ مسلماً مردمی که دوبار با آرای بالا وی را بر کرسی ریاست جمهوری نشانند، حق دارند که دقیقاً از موضوع و جزییاتش اطلاع پیدا کنند. اگر چنین تصمیمی جدی است ناظر به کدام علل و دلایل است؟ آیا وی دیگر نفس سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه را مقرون به نتیجه نمی‌دانند؟ در این صورت توصیه‌اش به خیل اصلاح‌طلبان کشور چیست؟ آیا از نظر ایشان تلاش آنها هم نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت یا این يك تصمیم شخصی بر اثر مسائل شخصی است و تعمیم آن به دیگر کنشگران سیاسی بلاموضوع است؟ اگر وی نوبت پیشکسوتان را تمام شده می‌داند و مایل است که جوان‌ترها میدان‌دار کنش‌های سیاسی شوند به نظر می‌رسد هنوز مقدمات چنین رویکردی فراهم نشده است. نه احزاب موجود توانسته‌اند پایگاه مردمی خود را تقویت و مستحکم و فراگیر کنند و نه هنوز از میان اصلاح‌طلبان فردی که توان و محبوبیت و نفوذ لازم را داشته باشد و در میان تشکلهای موجود اصلاحات نظر و رای‌اش فصل‌الخطاب باشد ظهور و بروز داشته است.

مسلمانان روش و منش آقای خاتمی با بی‌مسئولیتی و تنزه‌طلبی سازگار نیست و در هر شرایطی از یاری رساندن به آرمان‌های مردمی استنکاف نخواهد کرد ولی ترك عرصه عملیاتی دارای معنای حداقلی مثل معرفی نکردن کاندیدا برای انواع انتخاباتی که در پیش است یا عدم تشکیل

شوراهای مشورتی و عدم حمایت از تصمیمات تشکلهای اصلاحطلبانه دور از انتظار نیست. مسلماً شرایط عمومی کشور در تصمیم فوق دخالت دارد ولی احتمالاً مجموع حوادث انتخابات ریاست جمهوری در این رویکرد جدید آقای خاتمی دخالت بیشتر داشته است.

معلوم نیست چه شد که نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان در روزهای آخر متصل به رای‌گیری چگونه به معنایی فرو ریخت و هر کس راه خود را در پیش گرفت و شکستی که همه انتظارش را داشتند بدتر و حیثیتی کرد؟ لذا بعید نیست که آقای خاتمی از آن نوع رفتارها گله داشته باشد و بر این اساس دیگر مایل به مشارکت در صحنه‌های عملیاتی چون چند انتخابات اخیر نباشد. با اینکه همیشه صبغه اخلاقی تصمیمات و عملکرد آقای خاتمی پررنگ‌تر از وجوه سیاسی آنهاست ولی سیاستمداری نکته‌سنج هم هست و احتمالاً از همین زاویه پی برده است که روشهای مالوف اصلاح‌طلبان دیگر جواب نمی‌دهد و دلیلی ندارد که همچنان اعتبار رییس‌جمهور اسبق هزینه شود و هیچ نتیجه‌ای در بر نداشته باشد.

البته امید می‌رود که عدم ورود آقای خاتمی به عرصه‌های جدی سیاست در همین موضوعات خلاصه شود ولی اگر چنین تصمیمی متضمن مشکلات عمیق‌تر باشد حکایت از شرایط امیدوارکننده آینده ندارد. اگر شخصیت محبوب و محبوب و معتدل و امیدوار و مثبت‌اندیشی مثل آقای خاتمی دیگر امیدی به کنشهای سیاسی نداشته باشد، پیام تلخی به جامعه مخابره خواهد شد که آثار منفی متعددی در پی خواهد داشت. مسلماً مسوولیت خلأهای فزاینده و نگران‌کننده در سپهر جامعه به عهده کسانی است که در انحصار قدرت می‌کوشند و در این راه حتی برگزاری انتخابات رقابتی و مشارکتی را بر نمی‌تابند. در شرایط خطیر منطقه‌ای و جهانی کشور ما نیازمند استحکام و شادابی و حضور جدی مردم در اداره کشور است. اگر هر نخبه و استاد دانشگاه و شخصیت متعهدی به طریقی به انزوا و گوشه‌گیری و واگذاری مسوولیت‌های اجتماعی هدایت شود، قدرت و اراده و اعتبار مردمی که در همه صحنه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کارساز و نتیجه‌بخش و بیمه‌کننده است، زایل می‌شود و در گردنه‌های خطرناک آسیبها از هر سو متوجه کشور خواهد شد. وقتی میدان کار و تلاش و سیاست‌ورزی از شخصیت‌های وزین و متعهد خالی شود چه کسانی جایگزین آنها خواهند شد؟ اکنون به عینه مشاهده می‌کنیم که انحرافیون یعنی همان‌ها که در عبور از خطوط قرمز جسارت دارند هیچ میدان و سفر و زاویه‌ای برای مطرح ساختن خود و دیده شدن را از دست نمی‌دهند و خدا می‌داند که اگر خطری برای کشور پیش آمد چه رفتاری از آنها سر خواهد زد؟ دقیقاً در چنین شرایطی است که کشور نیازمند متعهدان و راستگویان و آگاهان و مردم‌مداران است و ما چه

آسان انزوای آنها را می‌پذیریم و از بی‌وزنی در فضای سیاسی، اجتماعی هراسی به دل راه نمی‌دهیم! به هر حال ترك عرصه سیاسی از جانب آقای خاتمی هرگز خبر خوبی نیست و چنانچه زیادت گیرد نفس‌کنش‌های مثبت و امیدوارانه و قانونی را تضعیف خواهد کرد و نشانه بارزی از مشکلات بسیار عمیق سیاسی و اجتماعی خواهد بود. امید است وی حتی اگر در ترك عرصه‌های عملیاتی اصرار داشته باشد آن را دقیقاً مدیریت کند تا از این ناحیه آسیب کمتری متوجه روند اصلاحات شود.

منبع: روزنامه اعتماد 2 اسفند 1400 خورشیدی